

برادران کارامازوف

(جلد اول)

www.ketab.ir

فئودور داستایوفسکی

سرشناسه : داستایوفسکی، فئودور میخائیلوویچ، ۱۸۲۱ - ۱۸۸۱ م. Dostoyevsky, Fyodor

عنوان و نام پدیدآور : برادران کارامازوف / فئودور داستایوفسکی : مترجم م. مهری.

مشخصات نشر : قم: الینا، ۱۳۹۸.

مشخصات ظاهری : ۲ ج.؛ ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م.

شابک : (دوره) : (ج ۱) 978-622-7009-46-0 (ج ۲) 978-622-7009-47-7

وضعیت فهرست نویسی : فیها

یادداشت : عنوان اصلی: Bratya Karamazovy, c2008.

یادداشت : کتاب حاضر از متن انگلیسی با عنوان "The Karamazov brothers" به فارسی برگردانده شده است.

موضوع : داستان‌های روسی -- قرن ۱۹ م.

موضوع : Russian fiction -- 19th century

شناسه افزوده : م. مهری، مترجم

رده بندی کنگره : PG۲۲۶۰

رده بندی دیویی : ۷۲۲/۸۹۱

شماره کتابشناسی ملی : ۶۰۷۵۰۸۶

برادران کارامازوف

مؤلف: برادران کارامازوف / مترجم: م. مهری

ناشر: الینا / طراح جلد: استودیو جوانه

ناشر همکار: انتشارات آثار نور

تیراژ: ۵۰۰ نسخه / نوبت چاپ: اول ۱۴۰۰

شابک (ج ۱): ۹۷۸-۶۲۲-۷۰۰۹-۴۶-۰

شابک (ج ۲): ۹۷۸-۶۲۲-۷۰۰۹-۴۷-۰

قیمت دوره دو جلدی: ۶۰۰۰۰۰ تومان



پخش جهان کتاب:

۰۹۱۳۷۵۹۹۴۰۴

فهرست جلد اول

۷	 سخن مترجم
۹	 کتاب اول: سرگذشت یک خانواده
۱۱	 فصل اول: فنودور پاولوویچ کارامازوف
۱۵	 فصل دوم: رهایی از شر پسر ارشد
۱۹	 فصل سوم: ازدواج مجدد، و خانواده دوم
۲۶	 فصل چهارم: پسر سوم، آلیوشا
۳۵	 فصل پنجم: پیران دیر
۴۵	 کتاب دوم: انجمن ناخوشایند
۴۷	 فصل اول: رسیدن به صومعه
۵۴	 فصل دوم: دلچک پیر
۶۵	 فصل سوم: زنان مؤمنه روستایی
۷۴	 فصل چهارم: زنی با ایمان ضعیف
۸۳	 فصل پنجم: چنین باداء
۹۳	 فصل ششم: چرا چنین آدمی زنده است؟
۱۰۶	 فصل هفتم: طلبه بلند پرواز
۱۱۷	 فصل هشتم: رسوایی شرم آور
۱۲۹	 کتاب سوم: شهوترانان
۱۳۱	 فصل اول: درکلبه خدمتکاران
۱۳۸	 فصل دوم: لیزاوتا
۱۴۳	 فصل سوم: اعتراف دلی سوزان در قالب شعر
۱۵۴	 فصل چهارم: اندر حکایت اعتراف قلبی پرشور
۱۶۴	 فصل پنجم: اعتراف دلی سوزان - پاشنه‌ها کشیده
۱۷۵	 فصل ششم: اسمردیاکف
۱۸۲	 فصل هفتم: ستیزه
۱۸۹	 فصل هشتم: بر سر براندی
۱۹۹	 فصل نهم: شهوت پرستان
۲۰۷	 فصل دهم: هر دو با هم
۲۲۱	 فصل یازدهم: آبروی برباد رفته

بخش دوم: کتاب چهارم: زخم‌های عمیق..... ۲۳۱

فصل اول: پدر فراپونت.....	۲۳۳
فصل دوم: نزد پدر.....	۲۴۶
فصل سوم: ملاقاتی با بچه مدرسه‌ای‌ها.....	۲۵۲
فصل چهارم: خانه خوخلاکف‌ها.....	۲۵۸
فصل پنجم: سوزدل در اتاق پذیرایی.....	۲۶۶
فصل ششم: سوز دل در کلبه.....	۲۸۰
فصل هفتم: دره‌وای آزاد.....	۲۹۰

کتاب پنجم: موافق و مخالف..... ۳۰۳

فصل اول: نامزدی.....	۳۰۵
فصل دوم: اسمردیاکف با گیتار.....	۳۱۹
فصل سوم: پیوند دوستی بین برادران.....	۳۲۸
فصل چهارم: شورش.....	۳۴۰
فصل پنجم: مفتش اعظم.....	۳۵۶
فصل ششم: انسانی نسبتاً سراسیمه.....	۳۸۳
فصل هفتم: گفتگوی ارزشمند با فرعی هوشمند.....	۳۹۶

کتاب ششم: راهب روسی..... ۴۰۷

فصل اول: پدر زوسیم و زائران.....	۴۰۹
فصل دوم: یادداشت‌هایی در شرح زندگی کشیش و راهب متوفی پدر زوسیم به روایت ایشان و به قلم آلکسی فنودورویچ کارمازوف.....	۴۱۴
فصل دوم: دونل.....	۴۲۸
فصل سوم: گفتگوها و نصایح پدر زوسیم.....	۴۵۴

بخش سوم: کتاب هفتم: آلیوشا..... ۴۷۳

فصل اول: بوی تعفن.....	۴۷۵
فصل دوم: لحظه بحرانی.....	۴۹۰
فصل سوم: پیازچه.....	۴۹۸
فصل چهارم: سرزمین مقدس قانا.....	۵۲۲

سخن مترجم

فنودور داستایوسکی، در ۳۰ اکتبر ۱۸۲۱ در خانواده‌ای متوسط در مسکو به دنیا آمد. پدرش پزشک ارتش و مادرش زنی مهربان بود که خوب می‌دانست چطور با صرفه جویی یک خانواده ۹ نفره را اداره کند. زایمان‌های متعدد، وضعیت نامناسب تغذیه و کار زیاد، سبب از پا درآمدن وی شد و به بیماری سل مبتلا گشت. داستایوسکی نوجوانی بیش نبود که مادرش را از دست داد. پدر، او را به مدرسه نظام در سن پترزبورگ فوستاد تا در آنجا به تحصیل رشته مهندسی بپردازد.

پدر در سال ۱۸۳۹ به دلیل نامشخصی توسط مستخدمش به قتل رسید و داستایوسکی تنها تر شد. او تا سال ۱۸۴۳ در مدرسه مهندسی نظام باقی ماند و به تحصیلش ادامه داد و پس از فارغ التحصیلی، تصمیم به مطالعه کتب روانشناسی و فلسفه گرفت.

او علاقه خاصی به عقاید زیگموند فروید داشت. همچنین زبان فرانسه را آموخت و به ترجمه رمان اوژنی گراند، نوشته بالزاک پرداخت و با چاپ اولین کتابش شور خاصی در وجودش زنده گشت و شوق نوشتن در او بیدار شد.

مدتی برای گذران زندگی خود و خواهر و برادرانش، نویسنده مجله سن پترزبورگ ژورنال شد و در سال ۱۸۴۶ اولین رمان خود به نام مردم فقیر را به چاپ رساند. این نویسنده ۲۳ ساله از همان ابتدا تراژدی جامعه روسیه را لابلای داستان‌هایش بیان می‌کرد و در سال ۱۸۴۹ به دلیل شرکت در محافل انقلابی، دستگیر، زندانی، و بعد به سیبری تبعید شد.

او خاطرات زندانش را در کتابی به نام خانه مرگ به رشته تحریر در آورد. مطالعه انجیل و تورات در زندان بر او تأثیر شگرفی بر جای نهاد. پس از آزادی از

زندان در سال ۱۸۵۴، نوشتن را از سر گرفت و با ماریا دمیتو یوناکانسنت ازدواج کرد ولی همسر وی در سال ۱۸۶۴ درگذشت. در همان سال کتاب معروف خود به نام جنایت و مکافات را نوشت. او با اینکه در فقر به سر می‌برد، یک منشی و تند نویس سی ساله به نام آنا را استخدام کرد که بعدها این دختر شیفته وی شد و با او که در آن زمان ۴۶ سال داشت ازدواج کرد و صاحب چهار فرزند شد.

آنا سر و سامانی به زندگی او بخشید و با چاپ کتاب‌ها وضعشان کمی بهتر شد. وی در تاریخ ۲۸ ژانویه ۱۸۸۱ در سن شصت سالگی در خانه‌ای در سن پترزبورگ چشم از جهان فرو بست و پس از مرگش به شهرت رسید و آوازه وی در ادبیات جهان همه گیر شد. از آثار او می‌توان به مردم فقیر، خواب عمو جان، زخم‌ها و توهین‌ها، خانه مرگ، جنایت و مکافات، قمارباز، ابله، برادران کارمازوف و چندین اثر دیگر اشاره کرد.

www.ketab.ir